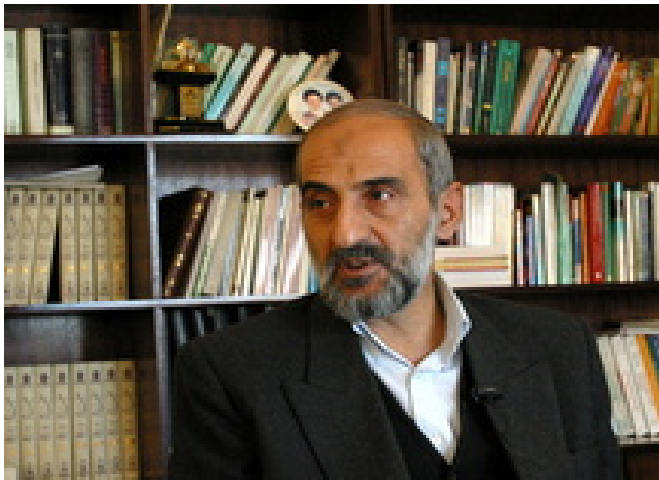




رد صلاحیت «هاشمی» از سر دلسوزی!

امروز کیهان در سرمقاله خود رد صلاحیت یک کاندیدا را پیش بینی کرده و دلایل آن را برشمرده است.

حسین شریعتمداری در سرمقاله خود نوشته است: «شرایط سنی من به گونه‌ای است که توان لازم برای مسئولیت سنگین ریاست جمهوری و اداره امور اجرایی کشور را ندارم و معتقدم رئیس جمهور شدم خلاف شرع و به زیان نظام خواهد بود». این دیدگاه و نظر آیت‌الله

هاشمی رفسنجانی، چند ماه قبل و در حالی ابراز شده بود که علاوه بر اصرار اصحاب وطن‌فروش فتنه 88، برخی از مقامات و مراکز آمریکایی و اروپایی نیز ایشان را برای نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم تشویق و ترغیب می‌کردند. همان روزها- 15 مهرماه 1391 یعنی 7 ماه قبل- مرکز استراتژیک «شورای امنیت ملی ایالات متحده آمریکا- COUNCIL SECURITY NATIONAL- طی گزارشی درباره انتخابات ریاست جمهوری ایران از ابراز تمایل آمریکا به نامزدی آقای هاشمی خبر داده و آورده بود «از نگاه غرب آقای رفسنجانی به‌عنوان یک شخصیت میانه‌رو بهترین گزینه برای ریاست جمهوری آینده ایران است». در این گزارش آمده بود «اگرچه رسانه‌ها و تحلیل‌گران آمریکایی و اروپایی تاکنون در چند نوبت پایان عمر سیاسی آقای اکبر رفسنجانی را اعلام کرده‌اند که ناکامی وی در بازگشت به مقام ریاست جمهوری در انتخابات ژوئن 2005- خرداد 84- خروج از امامت جمعه تهران و برکناری از ریاست مجلس خبرگان از جمله این موارد بوده است ولی حضور پررنگ وی در اجلاس سران عدم تعهد در کنار رهبر ایران و خوشامدگویی وی به مقامات عالمی‌رتبه میهمان و جایگاه تعیین شده برای او در کنار «بان کی‌مون»، میهمان ویژه اجلاس را باید یک رنسانس برای این بازمانده سیاسی بزرگ ایران تلقی کرد که نشان می‌دهد این شخصیت هفتاد و چندساله با رویکردی میانه‌رو نسبت به غرب این امکان را دارد که یک بار دیگر در کانون قدرت ایران ایفای نقش کند (به‌تاکید این اندیشکده آمریکایی روی قید «یک بار دیگر» یعنی آخرین فرصت برای بهره‌گیری از آقای هاشمی توجه کنید)».

رصد رسانه‌ها و مراکز استراتژیک آمریکایی و اروپایی و مقایسه آن با تحرک انتخاباتی مدعیان اصلاحات در داخل کشور حکایت از آن دارد که بعد از گزارش تحلیلی مرکز آمریکایی یاد شده، تلاش گسترده اصحاب فتنه با محوریت- البته ظاهری- آقای خاتمی و تلاش پیرامونی، اما پررنگ جریان‌های نظیر مجمع روحانیون، برخی از فتنه‌گران زندانی و یا پناهنده به کشورهای آمریکایی و اروپایی با هدف راضی کردن آیت‌الله رفسنجانی به نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری یازدهم آغاز می‌شود. نکته درخور توجه آن که اصحاب فتنه نیز همخوان با شورای آمریکایی مورد اشاره، از نامزدی آقای هاشمی با عنوان «آخرین شانس» و «تنها فرصت باقیمانده» برای بازگشت رانده‌شدگان فتنه 88 به نظام یاد می‌کنند. ولی پاسخ آقای هاشمی رفسنجانی همچنان منفی است و این پاسخی هوشمندانه است چرا که بازگشت به نظام، آرزوی برپاد رفته اصحاب فتنه است و حال آن که آقای هاشمی رفسنجانی با حکم رهبر معظم انقلاب در جایگاه برجسته «ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام» قرار دارد بنابراین بیرون از حلقه نظام نیست که برای ورود به این حلقه ریسک کند و در مقابل اصرار جریان‌های یاد شده توضیح می‌دهد که مجمع تشخیص یک مرکز مستشاری است و ایشان می‌توانند تجربیات چند ده ساله خود را به عنوان رئیس مجمع به نظام ارائه بدهد ولی ریاست جمهوری و کشیدن بار سنگین آن با سن و سال ایشان مناسبتی ندارد. این چالش مطابق شواهد موجود نزدیک به 2 ماه ادامه می‌یابد و در این فاصله الف: چند گروه مختلف- و در برخی از موارد با اعضای مشترک- به دیدار آقای هاشمی می‌روند و با سخنان تکراری و مشابه از آمادگی جامعه برای پذیرش ریاست جمهوری ایشان خبر می‌دهند و این که مردم از آقای هاشمی انتظار دارند به عنوان منجی وارد گود شود!

ب: رسانه‌های خارجی در تفسیر و تحلیل‌های پی در پی و با توهم‌پراکنی درباره آماده بودن زمینه‌ها برای نامزدی و نهایتاً پیروزی ایشان، آقای هاشمی را به کاندیداتوری تشویق می‌کنند.

ج: سایت‌های اینترنتی و روزنامه‌ها و نشریات زنجیره‌ای در اقدامی هماهنگ بیشترین مقالات، مصاحبه‌ها و گزارش‌های خود را به ضرورت نامزدی آقای رفسنجانی اختصاص می‌دهند.

د: مدعیان اصلاحات و عوامل فتنه‌گری که پیش از این بی‌ادبانه‌ترین اهانت‌ها نظیر عالیجناب سرخپوش! عامل اصلی قتل‌های زنجیره‌ای! سیاستمدار تاریک اندیش! دیکتاتور! و... روا می‌داشتند در یک چرخش یکصد و هشتاد درجه‌ای به تعریف و تمجید از ایشان می‌پردازند!

ه: تمامی جریان‌های ضد انقلابی که در فتنه 88 با یکدیگر ائتلاف کرده بودند در اقدامی بی‌سابقه از ادعاهای قبلی نظیر تقلب در انتخابات دست کشیده و به استقبال از نامزدی آقای هاشمی برمی‌خیزند.

و: نکته درخور توجه این که تمامی جریان‌های داخلی و خارجی یاد شده و مراکز استراتژیک آمریکایی و اروپایی از کاندیداتوری آقای رفسنجانی با کلید واژه‌های مشابهی نظیر «آخرین پنجره»! «آخرین شانس»! «فرصت غیرقابل تکرار»!، «بازی آخر» و مانند آن یاد می‌کنند و...

و سرانجام آقای هاشمی رفسنجانی تحت تأثیر عوامل یاد شده و مخصوصاً اصرار نزدیکان خود که از یکسو با اصحاب فتنه در ارتباط پیوسته هستند و از سوی دیگر آقای هاشمی بارها نشان داده است تاب مقاومت در برابر اصرار آنها را ندارد، تسلیم می‌شود و چند روز قبل از ثبت نام، موافقت خود را اعلام می‌کند و بدین ترتیب «قریانی» برای قربانی شدن چند باره - و این دفعه برای آخرین بار - آماده می‌شود!

آقای خاتمی در حالی که از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد، خبر اعلام آمادگی آقای رفسنجانی را به نشستی که به طور پی‌درپی با حضور تعدادی محدود از اصحاب فتنه و بدون حضور آقای هاشمی تشکیل می‌شود می‌رساند و در همان نشست تصمیم گرفته می‌شود که!

از معرفی آقای هاشمی به عنوان کاندیدای اصلاح‌طلبان به شدت اجتناب شود تا اولاً؛ حساسیت مردم نسبت به اصلاح‌طلبان مانع رویکرد به ایشان نشود. ثانیاً؛ شکست وی در انتخابات به حساب شکست اصلاح‌طلبان نوشته نشود. ثالثاً؛ برای جلب نظر هواداران داخلی و بیرونی فتنه حمایت اصلاح‌طلبان از نامزدی ایشان به صورت پررنگ و علنی مطرح شود. دربارہ این بند از تصمیم یاد شده، اختلاف نظری پدید می‌آید و آقای «م» می‌گوید: باید حمایت اصلاح‌طلبان از هاشمی به گونه‌ای باشد که گروه‌های اصلاح‌طلب مخالف ایشان انگیزه بیشتری برای فعالیت به نفع نامزدی وی را داشته باشند و جای اصلاح‌طلبان را در این حرکت خالی احساس نکنند. آقای «م» می‌افزاید؛ حمایت پررنگ اصلاح‌طلبان از هاشمی، این تلقی را نیز پدید می‌آورد که اصلاح‌طلبان - منظورش اصحاب فتنه است و نه همه اصلاح‌طلبان - مجوز ورود به نظام را یافته‌اند! در پی این تذکر، تصمیم گرفته می‌شود که از نامزدی آقای رفسنجانی با عنوان گزینه هاشمی - خاتمی یاد شود. تصمیم‌های اتخاذ شده در آن نشست بلافاصله به تیم رسانه‌ای فتنه در داخل و خارج کشور ابلاغ می‌شود و فردای آن روز آقای خاتمی در مصاحبه‌ای این جمله از قبل توافق شده را مطرح می‌کند که «خداکند هاشمی بیاید»!

تمامی شواهد یاد شده که فقط اندکی از بسیارهاست کمترین تردیدی باقی نمی‌گذارد که مجموعه هماهنگ اصحاب فتنه در داخل کشور و مدیران بیرونی آنها در ماجرای پیش روی به آقای هاشمی فقط «نقش یک قربانی» را داده‌اند، چرا که علی‌رغم هیاهوی این روزها به خوبی می‌دانند آقای هاشمی در صورت تایید صلاحیت هم شانسی برای پیروزی ندارد چرا که حمایت تمام‌قد ایشان از فتنه 88 بر کسی پوشیده نیست و تبلیغات این روزها که هاشمی در پی نجات اقتصاد کشور است نیز با توجه به حامیان و اطرافیان وی و سابقه ناموفق اقتصادی ایشان در دوران 8 ساله دولت سازندگی جایی برای باور اینگونه تبلیغات باقی نگذاشته است، ضمن آن که تجربه پی‌درپی این سال‌ها نشان داده است توده‌های مردم وفادار به اسلام و انقلاب در بزنگاه‌ها با بصیرتی مثال‌زدنی به صحنه می‌آیند و حماسه‌های به یاد ماندنی می‌آفرینند. بنابراین با استناد به مختصات صحنه کنونی می‌توان بدون کمترین تردیدی گفت؛ اصحاب فتنه و مدیران بیرونی آنها برای هاشمی یک بازی دو سر باخت تدارک دیده‌اند. اولاً؛ اعلام نامزدی با توجه به آن که پیش از این به صراحت از کاندیداتوری خود با عنوان «اقدام خلاف شرع و زیان به نظام» یاد کرده بود و دوم؛ باخت ایشان در وزن‌کشی انتخابات و اگر رد صلاحیت احتمالی نیز به آن اضافه شود می‌توان این بازی را «سه سر باخت»! تلقی کرد. و از سوی دیگر اصحاب فتنه برای خود - به خیال خام - بازی دو سر بُرد در نظر گرفته‌اند، چرا که از یکسو آقای هاشمی را بی آن که وی را نامزد جبهه اصلاحات معرفی کنند به قربانگاه باخت در انتخابات برده‌اند و از سوی دیگر در پوشش حمایت از وی، وارد عرصه‌ای شده‌اند که مطابق قانون و به دلیل وطن‌فروشی و خیانت، مجاز به ورود نبوده‌اند.

و اما، در این میان وظیفه الهی، خطیر و سنگینی بر عهده شورای محترم نگهبان است. این وظیفه خطیر در یک کلمه نجات آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از دام خطرناکی است که دشمنان بیرونی و دنیالاهای داخلی آنها پیش پای ایشان پهن کرده‌اند. شورای محترم نگهبان اسناد و دلایل قانونی قابل توجهی برای رد صلاحیت ایشان در اختیار دارد و با استناد به آن می‌تواند چرخه فریبی که برای وی تدارک دیده‌اند را مختل کند. حالت آقای هاشمی را بعد از پایان این بازی دو سر باخت در نظر بگیرید، آیا به ایشان حق نمی‌دهید که آرزو کند کاش نامزد نشده بود و یا کاش شورای نگهبان صلاحیت وی را احراز نکرده بود؟! تا از این دام نجات پیدا می‌کرد؟! آیت‌الله هاشمی در صورت احراز صلاحیت وی از سوی شورای نگهبان حق دارد فردای قیامت از اعضای محترم این شورا شکایت کند که چرا ایشان را از دامی که پیش روی او گسترده بودند، نجات نداده‌اند؟!